

ریا از منظر آیات و روایات

لیلا قاسمی^۱

چکیده:

یکی از رذایل اخلاقی که همواره جوامع بشری در طول تاریخ به آن مبتلا بوده‌اند، ریا و تزویر است. ریا را افرادی که هدفشان کسب نفوذ و اعتبار اجتماعی با ارائه شخصیتی مقبول در نزد مردم است. ریا ممکن است از غضب یا شهوت ناشی شود. انسان می‌تواند به وسیله بدن، هیات ظاهری، گفتار و یا کردار ریا کند.

ریا را می‌توان با علم و عمل درمان کرد، راه عملی، ریشه کن کردن اسباب ریا و خو گرفتن به عبارت پنهانی است و درمان عملی، با شناخت زیان‌های ریا، توجه به علم و قدرت گسترده‌ی خدا و ضعف و زبونی خلائق میسر می‌شود.

کلید واژه‌ها: ریا، عبادت، نماز.

مقدمه:

ریا آفت بسیاری از جوامع انسانی است و به اشکال مختلف در جوامع پیشرفته امروزی کم و بیش در جوامع اسلامی به دلیل نوع اعتقادات و نگاه مردم به دین و دینداران با فراوانی بیشتری رواج داشته و دارد. این رذیلت اخلاقی منجر به آسیب‌های فردی و اجتماعی زیادی می‌شود، از جمله فریب دادن مردم و سوء استفاده از اعتقادات آنها، از بین رفتن صداقت و اعتماد در جامعه، منزوی شدن افراد صادق و مخلص.

هر چند که ریا یک خصلت فردی است؛ اما گاهی شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی به نحوی است که این بیماری را تبدیل به عارضه‌ای عمومی می‌کند. عوامل زیادی باعث می‌شود که مردم ظاهر و باطن خود را متفاوت نگاه دارند که از آن جمله می‌توان به ترس و احساس ناامنی، نوع معیارهای ارزشی جامعه، تلاش برای کسب موفقیت برتر و احترام اجتماعی و اشاره کرد.

۱- مفهوم شناسی ریا

الرَّئَاءُ: تظاهر به خوبی، کار خوبی را به قصد جلب نظر مردم انجام دادن نه برای خدا. گویند: «فَعَلَ ذَلِكَ رِئَاءَ؛ آن را برای ریا انجام داد»؛ «کالذی ینفق ماله رِئَاءَ النَّاسِ؛ همانند کسی که انفاق می‌کند مال خود را برای جلب توجه مردم.» (معلوف، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۳۵).

رِئَاءُ: تظاهر کردن، برخلاف واقعیت وجودی خویش خود را نیکوکار جلوه دادن، کار نیکی را به قصد خودنمایی انجام دادن. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۰). «کالذی ینفق ماله رِئَاءَ النَّاسِ» (بقره: ۲۶۴) ریا: کلمه ریا مشتق از رویت است، چنانچه (سَمِعَهُ) نیز یکی از ریا است ازسمع، مشتق است، اگر انسان کاری کند و بخواهد کار را به رویت مردم برساند این عمل ریا است، اما اگر بخواهد آن عمل را به گوش مردم برساند این عمل سَمِعَهُ است و معنا اصلی ریا آن است که: «انسان بخواهد منزلتی در دل مردم پیدا کند، به سبب خصلت‌های خوب، یا کاری که دلالت کند بر اینکه، انسان دارای آن خصلت نیکو است.» (رودسری، ۱۳۸۳، صص ۱۴۱-۱۵۰).

ریا: عبارت از آن است که فردی کار نیک و پسندیده‌ای را به هدف اعتبار و منزلت یافتن نزد مردم انجام دهد؛ نه به قصد اطاعت از خداوند و کسب رضایت الهی. فرد ریاکار رویکرد الهی ندارد و به دنبال رضایت خداوند نیست، بلکه اعمال نیک را انجام می‌دهد تا مردم او را ستایش کنند و نام نیکی از او در بین مردم باشد، تا از این راه بتواند به برخی از خواسته‌های خود برسد. (مصدق، ۱۳۹۵، ص ۴۴).

ریا: طلب کردن اعتبار و منزلت در نزد مردم به وسیله افعال خیر و پسندیده، یا آثاری که دلالت بر صفت نیک کند. و مراد از آثار داله بر خیر، افعالی است که خود آن فعل، خیر نباشد و لیکن از آن، پی به امور خیر توان برد، مثل اظهار ضعف و بی حالی به جهت فهمانیدن کم خوراک و روزه بودن یا بیداری شب و مثل آه بی اختیار کشیدن به جهت اظهار اینکه به فکر خدا، یا احوال روز جزا افتاده است. (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۱۹).

پروردگار عظیم در کتاب کریم می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَءَوْنَ»؛ «پس وای بر نمازگزارانی * که از نمازشان غافلند * آنان که ریا می‌کنند.» (ماعون: ۴-۶) و در مقام مذمت جمعی می‌فرماید: «يُرَءَوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ «با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.» (نساء: ۱۴۲)

فرد ریاکار رویکرد الهی ندارد و به دنبال رضایت خداوند نیست، بلکه اعمالی را انجام می‌دهد تا مردم او را ستایش کنند و نام نیکی از او در بین مردم باشد، تا از این راه بتوانند به برخی از خواسته‌ها خود برسد. (مصدق، ۱۳۹۵، صص ۴۴-۴۶)

ریا یکی از گناهان کبیره‌ای است که مایه هلاکت انسان و وسیله حبط اعمال و خروج توحید از قلب او و خلاصه باعث شقاوت و سقوط در قعر جهنم است. و ریشه آن حب جاه و دنیاطلبی است. (طاهری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸)

ریا مرضی است که به زودی تشخیص داده نمی‌شود، به قدری مرموز و مخفی است که درباره‌اش گفته‌اند، ریا همانند راه رفتن مورچه سیاه روی سنگ سیاه است، بارزترین ریا در عمل، آن است که شخص ریاکار مقید است، کار خوب خود را جلا و جلوه دهد تا مردم او را تزکیه و تعریف کنند. (ارفع، ۱۳۸۴، ص ۵۳)

انسان مومن چون به خدایی معتقد است که از کار بندگان با خبر است و بر نیک و بد آن پاداش و کیفر خواهد داد، نباید غیر خدا را در نظر داشته باشد و برای پسند این و آن کار کند. نزول سوره هل اتی که انسان عمل خالصانه خانواده‌ای بود که سه روز افطار خود را برای خدا به مسکین و یتیم و اسیر دادند و هرگز توقع پاداش و چشمداشت تشکر هم نداشتند. (محدثی، ۱۳۹۰).

۲- ریا در روایات

در احادیث اسلامی فوق العاده به این مساله اهمیت داده شده و ریاکاری یکی از خطرناک‌ترین گناهان معرفی شده است که به گونه‌ای از آن در ذیل اشاره می‌شود:

الف: در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: «أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الرِّيَا وَ الشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ»؛ «خطرناک‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم ریاکاری و شهوت پنهانی است.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۴۱). ظاهراً منظور از شهوت پنهانی همان انگیزه‌های مخفی ریاکاری است.

ریا اقسام مختلفی دارد از جمله: ۱- ریا در عقیده، ۲- ریا در عمل، ۳- ریا در گفتار، ۴- ریا در معاشرت، ۵- ریا در شکل و قیافه، ۶- ریا در نوافل و مستحبات، ۷- ریا در وصف عبادت. از آنجا که برای ریا مراتبی است که برخی روشن و برخی مخفی است و تشخیص مراتب مخفی بسیار مشکل است ائمه اطهار (علیهم السلام) برای آن، علائم و نشانه‌هایی بیان کرده‌اند اگر کسی خواست خود را بیازماید و بفهمد آیا در او این صفت ناپسند وجود دارد یا نه با آن علائم و نشانه‌ها تشخیص دهد. اگر کسی در تنهایی و خلوت رغبتی به عبادت نداشته باشد و حتی نماز واجب خود را با کسالت بسیار می‌خواند ولی وقتی در مسجد یا اجتماعات دیگر در انظار عموم مردم قرار می‌گیرد، از کسالت فارغ شده و حالت نشاط پیدا می‌کند این کس ریاکار و عمل او ریایی است و یا دوست دارد جمع او را تشویق کنند و از کارهایش تعریف کنند و توقع شنیدن مذمت یا بیان نواقص را ندارد، اینها عمل ریاکاری است. (طاهری، ۱۳۸۰، صص ۲۲۸-۲۳۹).

نشانه‌هایی برای فرد ریاکار بیان کرده‌اند: ۱- در تنهایی اگر عبادت کند، کسل و بی حال است. ریا خفی این است که اگر کسی در میان جمع، خیلی راحت، ولی در خفا با کسالت، نماز می‌خواند

او دارای ریا مخفی است. کسی که دارای ریا مخفی است، حالت طلبکاری از مردم دارد، او واجبات را که وظیفه او است را انجام می‌دهد ولی از مردم طلبکار است و دوست دارد هر جا رفت، کارش را زودتر انجام دهند. این نوع طرز تفکر، انسان را رشد نمی‌دهد بلکه در نهایت مایه‌ی عجب و تکبر می‌شود. ۲- در انتظار مردم اگر عبادت کند، با نشاط و فعال است. ۳- در همه‌ی کارهایش به مدح و ثنای دیگران حساس و آزمند است. ۴- تمام کوشش او بر این است که میان مردم وجهه‌ای زیبا و نیکو داشته باشد. ۵- خودپسند و مغرورند. ۶- اعمال نیک خود را به رخ دیگران می‌کشند و بر دیگران، منت می‌نهند. ۷- چشم طمع، بر خلق دوخته‌اند و به خدا توکل ندارند. ۸- از تعریف نابجای دیگران، مسرور می‌شوند. ۹- در انتظار مردم، به نیکوکاری مراقبت، و در غیاب آنان از انجام امور خیر، کاهل هستند. (رودسری، ۱۳۸۳، صص ۱۴۱-۱۵۰).

ب: در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده: «أَدْنَى الرَّيَاءِ شِرْكٌ»؛ «کمترین ریا شرک به خدا است.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۴۱).

از آن جا که آدمی از تعریف و ستایش، خرسند می‌شود و دوست دارد همیشه مورد ستایش افراد قرار بگیرد و کمتر به بند نکوهش آنان مبتلا شود، لذا به ریا متوسل می‌شود. (فیض کاشانی، ۱۳۹۲، ص ۹۳). منشاء ریا طمع و چشمداشت به ثروت مکنتی که در تصرف مردم است. و همچنین بی‌اعتمادی به خدا است باید بدانیم که ریسمان تسخیر قلوب خلق، به دست خدای متعال است هر گاه بخواهد، اعطا می‌کند و هر گاه نخواهد جلوگیری می‌کند، کسی که نظر به دست مردم داشته باشد، دلیل و پست خواهد شد. اگر خدا را منشاء اثر و خیرات بدانیم و به توحید افعالی قائل باشیم به غیر خدا تکیه نمی‌کنیم و لذا حالت چاپلوسی به خود، نخواهیم گرفت. (اسدی گرمارودی، ۱۳۹۶، صص ۲۳۳-۲۳۴).

اول: علل و عوامل ریا

عدم شناخت: اگر کسی واقعا خدای جهان را شناخته و معتقد باشد که در نظام هستی موثری غیر از او وجود ندارد دیگر معنا ندارد، چشم طمع به دیگران دوخته و امید فیض و بخششی از دیگران داشته باشد. اگر به مرحله‌ای از یقین برسد و بفهمد همه‌ی امور و همه‌ی خیر و شر و نفع و ضرر، در دست خالق توانا است و از احدی بدون رضای او کاری ساخته نیست یقینا برای دیگران حساسی باز نمی‌کند چه رسد به آنکه اعمال خود را برای او انجام دهد.

حب جاه و مقام: این حب جاه و مقام است که انسان را وادار به ریا می‌کند تا بدین وسیله در انتظار مردم برای خود کسب آبرویی نموده در نتیجه به پست و مقامی برسد و ریشه‌ی حب و جاه و مقام هم حب دنیا است. (طاهری، ۱۳۸۰، صص ۲۲۸-۲۳۹).

دوم: مراتب ریا

دانشمندان علم اخلاق، ریا را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

- ۱- ریا در اصول عقاید و معارف الهی، یعنی خود اظهار شهادتین می‌کند، در حالی که در درون خود منکر تمامی یا بخشی از اصول و ضروریات دین است. (نراقی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۰).
- ۲- ریا در عبادات و امور دینی؛ شخص با اعتقاد به ارکان اسلام و ضروریات دین، به خاطر جلب نظر مردم و کسب شهرت و نیک نامی به امور نمایشی و ساختگی همچون؛ عبادت، انفاق کردن، امانتداری و ... می‌پردازد به طوری که در خلوت آنها را ترک می‌کند. در چگونگی انجام عبادات (واجب و مستحب) ریا می‌کند، مانند طولانی کردن سجده نزد مردم، یا حضور در صف نخست نماز جماعت، به قصد اینکه مردم تحسینش کنند. (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۵۱۲-۵۱۳).
- ۳- ریا در امور دینی؛ همچون پوشاندن برخی از عیب‌های خود از مردم و جلوه دادن اموری مانند خوش بو کردن و تمیزی و... در انظار دیگران. (مجتبوی، ج ۲، ص ۵۱۴).

سوم: درجات ریا

- ۱- قصد ریا، ۲- وسیله ریا، هدف. هر یک از این سه رکن درجات و مراتبی دارند که با شدت و ضعف آنها مرتبه ریا تغییر می‌کند. (جباران، ۱۳۸۹، صص ۱۶۰-۱۶۳).
- درجات وسیله ریا: وسیله ریا دارای مراتب زیادی است:
- ۱- ریا به وسیله اهل ایمان که بدترین نوع ریا است. کسی که به چیزی اعتقاد ندارد و با این حال خود را معتقد می‌نمایاند منافق است. کسی که خود معتقد است، ولی برای منزلت یافتن در قلوب مردم اعتقادات خود را اظهار می‌کند؛ در اثر ریاکاری، به عملی دست می‌زند که نور ایمان از قلبش رخت بر بسته و ظلمت کفر جایگزین آن می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ص ۲۸).
- ۲- ریا به وسیله اصل عبادات مثل نماز، حج و امثال آن. ریاکار در این مرتبه هر چند از دین خارج نمی‌شود، ولی مسلمانی از او بدتر نیست، چون مخلوقی را به خالق ترجیح می‌دهد. (جباران، ۱۳۸۹، صص ۱۶۰-۱۶۳).
- ۳- ریا به وسیله اعمالی که ترک آنها عبادت را باطل می‌کند، مثل اینکه در خلوت قرائت، رکوع و سجود نماز را سریع انجام دهد، ولی در بین مردم آنها را به طور کامل انجام دهد. (جباران، ۱۳۸۹، صص ۱۶۰-۱۶۳).
- ۴- ریا به وسیله نوافل و مستحباتی که ترک آنها موجب گناه نیست. (جباران، ۱۳۸۹، صص ۱۶۰-۱۶۳).

ج: پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا فِيهِ مِقْدَارُ ذَرَّةٍ رِيًّا»؛ «خداوند عملی را که ذره‌ای از ریا در آن باشد قبول نمی‌کند.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۴۱).

وسایل ریا به ۵ دسته تقسیم می‌شود:

۱- ریا به وسیله بدن: بدن می‌تواند با ضعف و لاغری، رنگ پریدگی و گودی حدقه چشم و خشکی لب به وسیله ریا باشد، چرا که مردم با دیدن چنین حالتی گمان می‌کنند انسانی است پر تلاش که غم دین را می‌خورد، خوف آخرت خورد و خوابش را گرفته و روزه و شب زنده‌داری توانش را ربوده است.

۲- ریا به وسیله هیات ظاهری: مانند ژولیدگی مو، تراشیدن شارب و پوشیدن لباسهایی که بر دینداری و عدم توجه به دنیا دلالت دارد.

۳- ریا به وسیله گفتار: مانند پند دادن به دیگران، تکرار سخنان حکیمانه، جنبانیدن در حضور مردم، امر به معروف و نهی از منکر در ملا عام.

۴- ریا به وسیله کردار: همچون طولانی کردن نماز، دادن صدقه در حضور دیگران، شرکت در مجالس و محافل دینی، آهسته راه رفتن و پایین انداختن سر به هنگام راه رفتن.

۵- ریا به وسیله امور خارجی از قبیل دوستان و معاشران: مانند رفت و آمد با افراد خاصی از قبیل علماء، اهل عبادت، تهجد. (جباران، ۱۳۸۹، صص ۱۶۰-۱۶۳).

د: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «وَأَنَّ الْمُرَائِيَّ يُنَادِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا فَاجِرُ يَا غَادِرُ يَا مُرَائِي ضَلَّ عَمَلُكَ وَحَبَطَ أَجْرُكَ إِذْ هَبَ فُخْذُ أَجْرِكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ»؛ «روز قیامت شخص ریاکار را صدا می‌زنند و می‌گویند ای فاجر! ای حلیه گر پیمان شکن! و ای ریاکار! اعمال تو گم شد و اجر تو نابود گشت برو و پاداش خود را از کسی که برای او عمل کردی بگیر.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۴۱)

سازگاری با شیطان موجب ریاکاری است. گاهی شیطان دوستان خود را به کار ظاهرا خیر و به عبادت وادار می‌کند، ولی آن عبادتی که توأم با ریا و خودپسندی و موجب غرور و تکبر است، و هیچ گونه ارزشی از نظر خدای تعالی بر آن مترتب نیست، چه بسا اشخاصی که نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و در مجالس دینی حاضر می‌شوند حتی در مراسم حج شرکت می‌کنند، ولی متأسفانه آنان جزء خودنمایی و برای آنکه مردم آنها را خوب بدانند و یا از این طریق احترامی برای خود قائل شوند نیست. آنها چیز دیگری نیست و همچون چه بسا افرادی از اموال خود را برای نشان دادن به مردم و حسن معاشرت انفاق می‌کنند و حتی مسجد می‌سازند و بناهای خیریه ایجاد می‌کنند ولی صرفاً به قصد ریا و خودنمایی بوده و هیچ گونه قصد تقرب و خداجویی ندارند. و این از القائنات شیطان است که اعمال صالح را به اعمال غیر خالص مخلوط کرده و نتیجه‌ی آن از بین می‌برد و چون این موجود پلید همیشه اطراف کسانی است که می‌خواهند کار خیری انجام دهند و او جدا مترصد است که آنها را باز داشته و یا کار آنها را بی ثمر می‌نماید. (زمردیان، ۱۳۷۳، ص ۸۷).

قرآن مجید در یکی از موارد آن اشاره‌ای دارد و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا»؛ «و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است.» (نساء: ۳۸)

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ «و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است.» (نساء: ۳۸)

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ «و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است.» (نساء: ۳۸)

وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند آنان که ریا می‌کنند و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می‌ورزند. (ماعون: ۴-۷) نماز ریایی، نمازی است که در آن معبود فراموش و مورد غفلت وارد می‌شود. آیه مبارکه نیز اشاره دارد کسانی که نماز نمی‌خوانند و از اینکه اینان نماز، برای چه کسی و برای چیست غافلند، در عمل ریاکارند. (زمردیان، ۱۳۷۳، ص ۸۷)

۳- ریا در قرآن

الف: محرومیت از محبت خدا

«وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ...»؛ «و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند.» (نساء: ۳۸)

ریاکاری است که انسان به وسیله آن، خواهان فراهم کردن جاه و مقام، در نظر اشخاص دیگر و اجتماع باشد. این رذیله اخلاقی هم مثل عجب تفاوت ماهوی با عبادت دارد. چون ماهیت عبادت و اطاعت، انجام عمل خالص برای ذات ذوالجلال حق تعالی است. و دخالت دادن دیگران در عبادت، منافی با اصل عبادات بوده و بالطبع عمل منافی با اصل، از بین برنده ماهیت عبادت است. (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۳۷)

ب: دلجویی خداوند از مومنان انفاق کننده در برابر تهمت به ریا

«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ «کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب] از روی میل صدقات [مستحب نیز] می‌دهند عیب می‌گیرند و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به اندازه توانشان نمی‌یابند [عیبجویی می‌کنند] و آنان را به ریشخند می‌گیرند [بدانند که] خدا آنان را به ریشخند می‌گیرد و برای ایشان عذابی پر درد خواهد بود.» (توبه: ۷۹)

ج: ریا موجب همدمی با شیطان

«وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا»؛ «و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است.» (نساء: ۳۸)

ریا نتایج و آثاری دارد: (طاهری، ۱۳۸۰، صص ۲۲۸-۲۳۹).

۱- شرک و کفر؛ در روایات اسلامی از ریا، به شرک تعبیر شده و انسان ریاکار مشرک خوانده شده چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ان عمل ریا شرک»؛ «هر ریایی شرک است». (مجلسی، ج ۷۲، ص ۳۰۲).

۲- نفاق: ریاکاری جزء صفات منافقین دانسته شده و اصولاً ریا جزء دورویی و تفاوت ظاهر و باطن چیز دیگری نیست. زیرا به مردم ارائه می‌دهد چیزی را که خود در باطن به آن معتقد نیست. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالًا يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ «منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند». (نساء: ۱۴۲)

۳- حبط اعمال: انسان ریاکار اگر اعمال صالح دیگری هم داشته باشد به وسیله حالت ریایی که در او است آن اعمال صالحه او نیز باطل می‌شود و دیگر استحقاق ثواب نخواهد داشت. (طاهری، ۱۳۸۰، صص ۲۲۸-۲۳۹).

۴- تحقیر خدا: هر کاری انسان انجام می‌دهد به انگیزه جلب منفعت و یا دفع مفسده است عملی که ریاکاران برای غیر خدا و نشان دادن به مخلوقین و جلب توجه آنها انجام می‌دهند نیز مطابق همان قاعده است. و این نشانه آن است که اینان مخلوق را قادرتر خالق دانسته و خود را مقرب مخلوق قرار داده و تقرب مخلوق را بهتر و مفیدتر از تقرب به خالق دانسته‌اند. (طاهری، ۱۳۸۰، صص ۲۲۸-۲۳۹).

د: ریا در نماز، نشانه شرک به خدا

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ...»؛ «بگو من هم مثل شما بشری هستم و [الی] به

من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است». (کهف: ۱۱۰)

برای علاج این مرض روحی و قلع و قمع آن علمای علم اخلاق دو راه بیان کرده‌اند یکی راه عملی و یکی راه علمی:

راه علمی: هر کاری که انسان به انجام می‌دهد برای جلب منفعت و دفع مفسده است، اگر بداند کاری برای او مضر است هیچگاه اقدام به انجام آن نمی‌کند اگر بفهمد که ریا باعث کفر و نفاق بوده و وسیله‌ی شقاوت ابدی و هلاکت و سقوط در قهر جهنم است و ریاکار ابداً رنگ فلاح و رستگاری را نخواهد دید هیچگاه اقدام به چنین کاری نمی‌کند و حاضر نمی‌شود دست به کاری بزند که برای ابد مایه بدبختی او باشد.

راه عملی: چون ریا از رویت و نشان دادن است به مردم، انسان کوشش کند که کارهای نیک را در خفاء و پنهانی انجام دهد و پس از انجام عمل در خفاء، همت به خرج دهد که آن کار را برای

همیشه مخفی بماند و برای مردم، آشکار نشود و این عمل آنقدر ادامه پیدا کند تا نفس عادت کند و آن مرض روحی از ریشه کنده شود و دیگر نفس طمع در ریا نکند. (طاهری، ۱۳۸۰).

ه: نهی مجاهدان از ریاکاری هنگام رفتن به جهاد

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»؛ «و مانند کسانی مباشید که از خانه هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می داشتند و خدا به آنچه می کنند احاطه دارد.» (انفال: ۴۷)

نتیجه گیری:

ریا یکی از بدترین رذایل اخلاقی است که ناشی از شرک است چرا که دیگری جایگزین خداوند متعال شده و جلب نظر او بر جلب رضایت و نظر خداوند متعال برای ما ارجحیت دارد، این بی‌شرمی و گستاخی از نظر خداوند متعال دور نمی‌ماند و عقوبتی شوم نتیجه‌ی آن است. عبادت فرد ریاکار باطل و عمل او حرام است.

فهرست منابع:

* قرآن

الف: کتب فارسی

۱. اسدی رودباری، محمد، *درس‌هایی از تربیت انسانی*، چاپ اول، ناشر: رویش نو، ۱۳۹۶ ه.ش.
۲. ارفع، کاظم، *شرح دعا مکارم الاخلاق*، چاپ دوم، ناشر: تربیت اسلامی تربت، ۱۳۸۴ ه.ش.
۳. جباران، محمد رضا، *درسنامه علم اخلاق (۲)*، چاپ هفتم، انتشارات هاجر وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴. حیدری نراقی، علی محمد، *رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)*، چاپ بیست و هشتم، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۹۰ ه.ش.
۵. رودسری، حسین، *اخلاص*، چاپ اول، انتشار دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ ه.ش.
۶. زمریدیان، احمد، *شیطان کیست و آیات شیطانی چیست؟*، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۷. طاهری، حبیب الله، *درس‌هایی از اخلاق اسلامی یا آداب سیر و سلوک*، چاپ هفتم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ه.ش.
۸. موسوی خمینی، روح الله، *کتاب چهل حدیث*، چاپ اول، ناشر: موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۷ ه.ش.
۹. مصدق، صفیه، *شاخصه‌های نفاق از منظر قرآن کریم*، چاپ اول، انتشارات هاجر وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۹۵ ه.ش.

ب: کتب عربی

۱. راغب اصفهانی، محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، چاپ اول، نشر سبحان، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲. فیض کاشانی، احمد، *اخلاق حسنه*، چاپ هفتم، ناشر: پیام عدالت، ۱۳۹۲ ه.ش.
۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، جلد ۷۲، چاپ پنجم، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴. معلوف، لوئیس، *المنجد*، چاپ پنجم، نگارش بهار، ۱۳۸۹ ه.ش.
۵. نراقی، احمد، *معراج السعاده*، چاپ سوم، ناشر: آیین دانش، ۱۳۹۲ ه.ش.
۶. _____، *علم اخلاق اسلامی*، جلد ۳، نشر ایران، ۱۳۷۷ ه.ش.